

## بررسی چالش‌های عدالت غیررسمی در شهر هرات<sup>۱</sup>



عبدالملک وحیدی<sup>۲</sup>

### چکیده

بسیاری از مسائل حقوقی و قضایای جنایی از طریق عدالت غیررسمی و توسط شوراهای مردمی حل و فصل می‌شوند؛ اگرچه رسیده‌گی به دعاوی در حیطه صلاحیت نهادهای عدلی و قضایی است؛ اما هنوز بخشی از مسائل به صورت اصلاحی داوری و مرافعه می‌گردد. این شیوه رسیده‌گی که در هرات هم اجرایی می‌شود، ممکن است مزایایی داشته باشد؛ اما بدون مشکل نیست. این چالش‌ها کدام است؟ طرح این مسأله، با در نظر داشت گستره وسیع کاربرد عدالت غیررسمی در کشور، مهم بوده و ضروری به نظر می‌رسد. هدف تحقیق حاضر این بوده که به این پرسش پاسخ دهد که: چالش‌های عدالت غیررسمی در شهر هرات چیست؟ این تحقیق از نوع کیفی بوده و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌های تحقیق، به شیوه آمیخته، ضمن مطالعات کتابخانه‌ای از طریق مصاحبه عمقی با استفاده از روش تحلیل مضمون، تهیه شده است. تحقیق حاضر، در قلمرو مکانی شهر هرات و محدوده زمانی پنج سال اخیر (۱۳۹۹-۱۴۰۳) از طریق مصاحبه با ده تن از اعضای شوراهای مردمی و یا آگاهان حقوقی که در حل منازعه دخیل بوده اند، صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: عدالت غیررسمی در افغانستان با چالش‌هایی هم‌چون: عدم توجه به اصل تناسب جرم و مجازات، فقدان نگاه تنبیهی به مرتکب، تحکیم نابرابری، نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم، برخورداری از اختیارات گسترده اعضای شورا، خوش‌بینی بیش از اندازه به توانایی شورا، قابل پیش‌بینی نبودن فیصله شورا و نتایج آن و در نهایت احتمال ایجاد سرگردانی برای طرفین منازعه، مواجه می‌باشد.

**واژه‌گان کلیدی:** شورای مردمی، منازعه اجتماعی، عدالت غیررسمی، جرگه، هرات، افغانستان.

دوره و سال چهاردهم نشراتی، پیاپی ۴۹، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴  
غالب (فصل نامه بین‌المللی مطالعات حقوقی، سیاسی و روابط بین‌الملل)

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از طرح تحقیق بالیسی «نقش شوراهای مردمی در حل منازعات اجتماعی شهر هرات در پنج سال اخیر (۱۳۹۸-۱۴۰۲)» است، که با هزینه مالی و تحقیقی مرکز تحقیقات علمی پوهنتون غالب هرات انجام شده است.

<sup>۲</sup> پوهنمل دیپارتمنت حقوق، پوهنخی / دانش کده حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون / دانش‌گاه غالب، هرات، افغانستان ([drvahidi1980@ghalib.edu.af](mailto:drvahidi1980@ghalib.edu.af)).

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 31/ 03/ 2025

Accepted: 15/ 06/ 2025

Published: 22/ 07/ 2025

ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.11>

PP: 237 - 257

## A Study on the Challenges Facing Informal Justice in Herat City<sup>1</sup>

Abdul Malek Vahidi<sup>2</sup>

### Abstract

Many legal issues and criminal cases are resolved through informal justice mechanisms and by local community councils. Although adjudicating such disputes falls within the jurisdiction of formal judicial and legal institutions, a portion of these matters continues to be addressed through conciliatory arbitration and informal adjudication. This approach, which is also practiced in Herat, may offer certain advantages; however, it is not without its challenges. What are these challenges? Raising this question is both important and necessary, considering the widespread application of informal justice across the country. The present study aims to answer the question: What are the challenges of informal justice in the city of Herat? This is a qualitative research conducted using a descriptive-analytical method. The data were collected through a mixed approach, involving library research and in-depth interviews, and were analyzed using thematic analysis. The study was carried out within the geographical scope of Herat city and covered five years (2020–2024). Interviews were conducted with ten individuals who were either members of local community councils or legal experts involved in conflict resolution. The findings of the research indicate that informal justice in Afghanistan faces several challenges, including: the neglect of the principle of proportionality between crime and punishment; the absence of a punitive perspective toward offenders; reinforcement of social inequality; disregard for the defendant's right to legal defense; the broad and unchecked authority of council members; excessive optimism regarding the councils' capacity; the unpredictability of council decisions and their outcomes; and, ultimately, the potential for confusion and uncertainty among disputing parties..

**Keywords:** Community Council, Social Dispute, Informal Justice, Jirga, Herat, Afghanistan.

<sup>1</sup> This article is an extract from the policy research project "The Role of People's Councils in Resolving Social Conflicts in Herat City in the Last Five Years (1398-1402)", which was carried out with the financial and research funding of the Scientific Research Center of Ghalib University of Herat.

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Ghalib University, Herat, Afghanistan (drvahidi1980@ghalib.edu.af).



## ۱. مقدمہ

عدالت غیر رسمی، شیوہ رسیدگی به دعاوی و منازعات مختلف در بیرون از چارچوب محاکم، توسط شوراها، جرگہ‌ها و یا مارکہ‌های محلی براساس عرف حاکم بر جامعه است. مفهوم عدالت غیر رسمی،<sup>۱</sup> حاصل تحول در نگرش‌های عمومی حقوق دانان، جرم‌شناسان و اندیشه‌مندان نسبت به عدالت جزایی مبتنی بر «جزا، سرکوب و تنبیه»<sup>۲</sup> و عدالت جزایی مبتنی بر «اصلاح و تربیت»<sup>۳</sup> است، کہ عدالت جزایی را در پیوند با فرهنگ انسانی و ارزش‌های اجتماعی معرفی می‌کند. این امر، مرهون انکشاف اندیشه‌های جزایی در عدول از جرم و مجازات، به ترمیم و جامعه‌پذیری است. این روی کرد، تحت تأثیر انسان‌شناسی و متضررشناسی به مفاهیم حقوقی مثل ترمیم، احیا، بازسازی، اعاده، استرداد، جبران، شورا، میانجی‌گری، سازش، مصالحه، مذاکره، گفت‌وگو، مشارکت در ادبیات جزایی روی آورده است (محقق، ۱۳۹۲: ۷۸). در مناطق مختلف افغانستان، از جمله شهر هرات، مسائل و موضوعات مهم توسط شوراها و مردمی حل‌وفصل می‌گردند (رحیمی، ۱۳۹۰: ۶۵). رسیدگی به منازعات اجتماعی از طریق شوراها و مردمی، به دلیل ساده‌گی، سرعت رسیدگی و کاهش هزینه، سهولت‌هایی را به ارمان آورده است؛ اما این به معنای فقدان مشکلات در این عرصه نیست. مسأله اصلی در این مقاله بررسی چالش‌های عمده عدالت غیر رسمی در شهر هرات است.

حل این مسأله با در نظر داشت گستره وسیع دادرسی غیر رسمی در شهر هرات مهم بوده و پاسخ به آن ضروری است؛ به‌رغم حضور دیرینه عدالت غیر رسمی در افغانستان، اما نوشته‌های اندکی در این زمینه وجود دارد. به‌عنوان نمونه، یک نوشته را خادم‌حسین رحیمی در سال ۱۳۹۰ با عنوان «جلوہ‌های مشارکت مردمی حل‌وفصل اختلافات کیفری در افغانستان» به انجام رسانده است. این تحقیق پایان‌نامه ماستری حقوق جزا و جرم‌شناسی می‌باشد در دانش‌گاه اهل بیت تهران است و با راهنمایی دکتر محمد فرجیہا دفاع گردیده است. در این تحقیق، بیش‌تر به زمینه‌های عدالت ترمیمی در افغانستان توجه نموده و از مارکہ به عنوان یک الگوی مناسب یاد کرده است. این نوشته هم به لحاظ موضوعی و هم از نظر زمانی هم‌خوانی با تحقیق حاضر ندارد؛ زیرا سخن از چالش‌های عدالت غیر رسمی به میان نیاورده است. مقاله‌یی تحت عنوان «مارکہ، جلوہ‌یی از عدالت ترمیمی در افغانستان»، از خود نگارنده در شمارہ پیاپی ۳۹ فصل‌نامه علمی-پژوهشی غالب به نشر رسیده است. این مقاله بخشی از شوراهایی را کہ به نام «مارکہ» در مناطق مرکزی افغانستان رایج است، به بحث گرفته است. به همین جهت، ارتباط مستقیمی به این عنوان ندارد، ولی می‌توان از آن به عنوان منبع بهره گرفت. نوشته دیگر با عنوان «دادرسی‌های ترمیمی غیر رسمی در افغانستان»، از محمدحسن

<sup>۱</sup>. Restorative justice.

<sup>۲</sup>. Retributive justice.

<sup>۳</sup>. Rehabilitative Justice.

محقق است، که بیش‌تر مصادیق و گونه‌های عدالت غیررسمی را به بحث گرفته است (محقق، ۱۳۹۷: ۲۷).

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که عدالت غیررسمی در افغانستان با چالش‌هایی هم‌چون: عدم توجه به اصل تناسب جرم و مجازات، فقدان نگاه تنبیهی به مرتکب، تحکیم نابرابری، نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم، برخورداری از اختیارات گسترده اعضای شورا، خوش‌بینی بیش از اندازه به توانایی شورا، قابل پیش‌بینی نبودن فیصله شورا و نتایج آن و در نهایت احتمال ایجاد سرگردانی برای طرفین منازعه، مواجه می‌باشد.

با در نظر داشت رونق روزافزون عدالت غیررسمی در کشور از جمله شهر هرات، این تحقیق می‌تواند مفید واقع شود. تحقیق حاضر می‌تواند در معرفی چالش‌های عمده عدالت غیررسمی به مسؤولان مربوط و اعضای شوراهای مردمی، نقش ارزنده ایفا نموده و پیش‌نهادهای لازم را ارائه کند.

## ۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر، تحقیقی کیفی است. پژوهش کیفی، تحقیق در دنیای واقعی است و مسائل را به شکل ظریف و عمیق مورد شناسایی قرار می‌دهد. تحقیق با این روش می‌تواند پیچیده‌گی مسأله‌های اجتماعی را به گونه واقعی شناسایی کند. روش پژوهش کیفی، بیش از آن که تعمیمی باشد، بازتابی بر مفاهیم ناشناخته و اکتشافات تازه است. تحقیق حاضر، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت داده آمیخته و پیمایشی است، که با روش تحلیل مضمون انجام یافته است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش آمیخته کتاب‌خانه‌یی و میدانی، یعنی پرسش‌نامه محقق ساخته برای مصاحبه عمقی به گونه نیمه‌ساختاری، استفاده شده است. این پرسش‌نامه، در راستای اهداف تحقیق به گونه‌یی طرح شده است که دارای سازگاری درونی و انسجام داده‌ها را در پی داشته است. اعتبار پرسش‌نامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ، سنجش شده است. معیاری که برای اندازه‌گیری روایی داخلی پرسش‌نامه است و نشان‌دهنده هم‌پسته‌گی سوالات درون پرسش‌نامه است. هدف از انجام این روش، اطمینان حاصل کردن از این که سوالات پرسش‌نامه به صورت یک پارچه با یکدیگر مرتبط هستند و درواقع، متغیر مورد نظر را به خوبی سنجش می‌کنند. به گونه‌یی که داده‌ها از میان افراد فعال در نظام عدلی و قضایی، شوراهای مردمی و طرفین منازعه، علما، وکلای گذر جمع‌آوری گردیده است. برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق، با تعدادی از افراد مرتبط و رئیس‌ان شوراهای مردمی شهر هرات، مصاحبه عمقی نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته است. این مصاحبه با شوراهای مناطق مختلف شهر انجام شده است. در این مصاحبه‌ها، هرچند پرسش‌هایی از قبل تهیه شده است، اما در عین زمان انعطاف وجود داشته و در هنگام مصاحبه، پرسش‌های تازه‌یی نیز مطرح گردیده است.

جامعه آماری این تحقیق به سه بخش تقسیم شده است، که بخش اول را حقوق دانان هرات (افرادی که تحصیلات حقوقی داشته و در این حوزه فعالیت دارند)، بخش دوم را افراد دخیل در شوراها (به‌شمول متنفذان و طرفین منازعه) و بخش سوم را مسؤولان یا اعضای شوراهای محلی شهر هرات، تشکیل می‌دهند که با روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مصاحبه قرار گرفته اند. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول  $5 \leq n \leq q$  و باتوجه به سوالات پرسش‌نامه، در قالب مصاحبه عمقی نیمه‌ساختاریافته، تعیین گردید. در این تحقیق، از سه طیف مرتبط به موضوع، از نقاط و نواحی مختلف شهر هرات از پنج نفر برای مصاحبه شروع و تا رسیدن به درجه اشباع، که ده نفر بود ادامه یافته است. کم‌ترین زمان مصاحبه ده دقیقه و بالاترین زمان نیم ساعت بوده است.

### ۳-۱. جمعیت مورد مطالعه

جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش افراد ذی‌دخل در شوراهای مردمی شهر هرات، از قبیل مسؤولان شوراهای مردمی، اعضای شورای مردمی، وکلای مدافع و استادان حقوق و علوم سیاسی می‌باشند، که محدوده سنی آن‌ها بین ۳۰ تا ۷۵ سال می‌باشد. انتخاب این گروه سنی با این فرض صورت گرفته است، که معمولاً در این گروه سنی در محل منازعات اجتماعی دخیل بوده و به میانجی‌گری اقدام می‌نمایند.

### ۳-۲. ویژه‌گی‌های نمونه

در تحقیقات کیفی، نمونه‌ها به‌صورت پیش‌تعیین‌شده مشخص نمی‌شوند و حجم نمونه با سطح اشباع‌پذیری ارتباط دارد. نمونه‌گیری این پژوهش با توجه به ویژه‌گی‌هایی چون وضعیت سن، موقعیت اجتماعی، میزان تجربه، سطح تحصیلات، نوع فعالیت صورت گرفته است. در این راستا درجه‌یی از انعطاف‌پذیری نیز لحاظ می‌گردد؛ زیرا ممکن است بعد از شروع کار، متغیرهای دیگری نیز به لحاظ اهمیت وارد پژوهش گردند. داده‌های این پژوهش براساس مصاحبه‌های عمیق با متنفذان شهر هرات اعم از وکلای مدافع، قاضی، استادان حقوق و ریش‌سفیدها صورت پذیرفته است. هر مصاحبه بین ۱۰ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامیده است. چهار نفر از مصاحبه شونده‌گان از علمای دینی، دو نفر حقوق دان و چهار نفر دیگر از مسؤولان شوراهای محلی و ریش‌سفیدها می‌باشند. کم‌ترین زمان مصاحبه ۱۰ دقیقه و بالاترین آن ۴۰ دقیقه بوده است.

### ۳-۳. نحوه گردآوری داده‌ها

معلومات لازم برای این تحقیق از طریق مصاحبه‌های عمقی و گفت‌وگوی هم‌دلانه به دست آمده است. مصاحبه‌ها به صورت نیم‌ساختاریافته است تا دریافت و تجربه درونی افراد اثرگذار در شورای مردمی فهم گردد. در این مصاحبه، هرچند پرسش‌ها پیرامون مسائل مورد نظر از قبل طراحی شده است، اما در عین زمان از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار بوده است. در این پرسش‌ها بیش‌تر درک شخصی و تجربه عینی مصاحبه‌شونده در مورد چالش‌های عدالت غیررسمی ملاک بوده است.

### ۳-۴. پرسش‌های تحقیق

با در نظر داشت کیفی بودن این پژوهش، پرسش‌های مشخصی در چالش‌های مختلف عدالت غیررسمی در حل منازعات اجتماعی صورت صورت پذیرفته است. پرسش اصلی این است که عدالت غیررسمی در حل منازعات اجتماعی با چه چالش‌هایی مواجه می‌باشد؟ برای باز کردن این پرسش، سوال‌های فرعی ذیل نیز مطرح شده است:

۱. عدالت غیررسمی در حل منازعات اجتماعی به چه چالش‌هایی مواجه است؟
  ۲. چالش‌های حقوقی عدالت غیررسمی در حل منازعات اجرایی چیست؟
  ۳. عدالت غیررسمی برای حل منازعات اجتماعی با کدام مشکلات اجرایی مواجه می‌باشد؟
- هدف از این پرسش‌ها، درک تجربه شخصی دست‌اندرکاران شوراهای مردمی از چالش‌های عدالت غیر رسمی بوده است.

### ۴. اهداف پژوهش

هدف محوری این تحقیق، بررسی، توصیف و درک افراد اثرگذار از چالش‌های شوراهای مردمی در حل منازعات اجتماعی و تبیین و صورت‌بندی نظری این چالش‌ها می‌باشد. مصاحبه‌های عمقی به منظور تأمین هدف اصلی تحقیق که ارائه درک درست و واقعی از چالش‌های عدالت غیررسمی است، مطرح شده است. این تحقیق اهداف فرعی ذیل را نیز دنبال کرده است:

۱. درک تجربیات مصاحبه‌شونده‌گان از چالش‌های عدالت غیررسمی در هرات؛
۲. صورت‌بندی و تحلیل مباحث نظری جرم‌شناختی در مورد چالش‌های عدالت غیررسمی در هرات؛
۳. تلفیق دریافت‌های عملی با مطالعات نظری در مورد چالش‌های عدالت غیررسمی در حل منازعات اجتماعی.

## ۵. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در تحقیقات کیفی نوعی هم‌کنش بین جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها دیده می‌شود. مطالب ارائه‌شده در این بخش، نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمقی کیفی است. نتایج بررسی و تجزیه و تحلیل‌های عمیق کیفی در این تحقیق حکایت‌گر آن است که چالش‌های زیادی در برابر عدالت غیررسمی در حل منازعات اجتماعی وجود دارد. در این قسمت یافته‌های حاصل از این تحقیق که از روش تحلیل مضمون به دست آمده است، به‌صورت طبقه‌بندی‌شده ارائه می‌گردد. البته یادآوری می‌گردد که همه یافته‌های تحقیق جنبه اکتشافی نداشته و قابل تعمیم نمی‌باشند؛ هرچند در برخی از موارد با چارچوب‌های نظری هم‌خوانی دارند.

### ۵-۱. بی‌توجهی به تناسب جرم و مجازات در فیصله‌های شوراها

یکی از دغدغه‌های اصلی مخالفان مداخله شوراهاى مردمی این است که در رسیده‌گی‌های غیررسمی بسیاری از اصول حقوقی که در سالیان دراز مورد توجه اندیشه‌مندان حقوقی بوده است، خدشه‌دار می‌گردد. این امر ممکن است در درازمدت خطراتی در پی داشته باشد. در رسیده‌گی‌های غیررسمی شوراها قواعد و حتی اصول حقوقی موضوعیت ندارد؛ بل که هدف، حل منازعه و برقراری آرامش ماقبل جنایی است. بدین جهت ممکن است در جریان میانجی‌گری، به اصول یادشده حقوقی همانند دادرسی رسمی توجه صورت نگیرد. به‌عنوان نمونه می‌توان از اصل تناسب جرم و مجازات، که در حقوق جزای بسیاری از کشورها به رسمیت شده است، اشاره نمود.

در عدالت رسمی، تناسب جرم ارتكابی و میزان و نوع مجازات قابل اعمال در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا احکام صادره مستند به قانون است. در قوانین تناسب جرم و مجازات پیش‌بینی شده است. در فیصله‌های اصلاحی چنین نیست؛ زیرا وابسته به عرف است و در عرف این تناسب لحاظ نشده است. این نگرانی وجود دارد که از این ره‌گذر در عدالت غیررسمی، زمینه‌یی برای استمرار ظلم فراهم گردد و قربانیان یک‌بار دیگر در فرایند رسیده‌گی مورد بی‌مهری و اجحاف قرار بگیرند (نور بخش و والی‌زاده، ۲۰۱۷: ۶). فیصله‌های اصلاحی در هرات هم بر پایه عرف صورت می‌گیرد و از این چالش در امان نیست. این امر هرچند در کلام متنفذان قومی دیده نشد، اما مصاحبه‌شونده‌گان سوم و پنجم (به ترتیب وکیل مدافع و استاد دانش‌گاه) به این مورد تأکید داشته‌اند. آن‌ها اظهار می‌دارند که «عدالت غیررسمی یک امر مسلکی نیست. با بسیاری از قواعد پذیرفته حقوقی از جمله اصل تناسب جرم و مجازات ناسازگار می‌باشد».

## ۵-۲. مداخله‌های بیرونی

یکی از چالش‌های جدی در برابر عدالت غیررسمی در شهر هرات این است که در هنگام رسیده‌گی به قضایا، افراد زیادی از بیرون جرگه برای تحت تأثیر قراردادن فرایند رسیده‌گی و صدور فیصله، مداخله می‌کنند. افراد مداخله‌گر، گوناگون می‌باشند. زورمندان محلی، اقارب طرفین دعوا، شخصیت‌های متنفذ منطقه، چهره‌های حکومتی و ... ممکن است به دلیل هم‌سویی با یکی از طرفین دعوا و یا برخورداری از منافع مشخص، به‌صورت علنی و یا پنهانی در فرایند رسیده‌گی مداخله نموده و بر چه‌گونه‌گی صدور فیصله و یا میزان موفقیت جلسه شورا اثر بگذارند. این چالش در کلام بیش‌تر مصاحبه‌شونده‌گان بیان شده است. به‌عنوان نمونه مصاحبه‌شونده اول (رئیس شورای مردمی) اظهار نموده است که «در بسیاری موارد افراد بیرونی که بیش‌تر مواقع زورمندان محلی یا اقارب دو طرف دعوا می‌باشند، در جریان میانجی‌گری دخالت کرده اعضای شورا را تحت فشار قرار می‌دهند تا نتیجه فیصله به میل آن‌ها انجام شود». شبیه این گفته در کلام مصاحبه‌شونده‌گان دوم، سوم، چهارم، ششم، نهم و دهم نیز دیده شده است.

## ۵-۳. شورای مردمی و تحکیم نابرابری

آشکار است که در حلقه جرگه‌ها، برای طرفین منازعه به پیمانه محاکم، فضای برابر فراهم نیست. یکی از چالش‌های رسیده‌گی دعاوی از طریق شوراهای مردمی، وجود نابرابری در فضای جلسه است. ممکن است دو طرف از جای‌گاه و اعتبار هم‌سان برخوردار نباشند و این امر در نشست‌ها و فرایند رسیده‌گی اثر منفی برجای می‌گذارد.

فرایند رسیده‌گی در دادگاه‌ها برای رسیدن به نتایج به‌تر، عدالت شکلی هم‌چون برابری و مساوات در برابر قانون طراحی شده‌است؛ در مقابل، در نشست‌های عدالت ترمیمی تلاش مستقیمی برای رسیدن به برابری و مساوات در برابر قانون وجود ندارد (بریث ویت، ۱۳۸۳: ۲۷۸). افزون بر آن، وجود نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سنی، جنسی و در نهایت اختلاف در اعتقادات و باورهای مختلف، نابرابری موقعیت‌ها و درجه وابسته‌گی به قدرت عمومی، از محدودیت‌هایی است که باعث عدم تفاهم متقابل در حلقه‌های عدالت غیررسمی و در گفت‌وگوهای مرتبط به عدالت ترمیمی می‌شوند. این امر نتایج آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند؛ هم‌چنین نوع جرایم ارتكابی و شدت و ضعف آن‌ها نیز عامل تأثیرگذاری بر میزان توفیق یا شکست برنامه‌های عدالت ترمیمی هستند. این چالش در کلام برخی از مصاحبه‌شونده‌گان هم دیده شد. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده سوم و ششم (به ترتیب حقوق‌دان و عالم دین) به این واقعیت اشاره کرده اند که: «در بسیاری از جرگه‌ها شاهد

منازعاتی هستیم کہ بین ارباب و بزرگر/ دهقان صورت می‌گیرد. در مواردی مثل این، فضای برابر در حلقه میانجی‌گری وجود ندارد. ممکن است این نابرابری در فیصله اثر منفی بگذارد».

این نقیصه براساس پرهیز و اجتناب از هرگونه تبعیض، بدون توجه به ماهیت موضوع به‌عنوان یکی از اصول ناظر به مصالح شرکت‌کنندگان در فرایند ترمیمی، پاسخ داده شده است. در فرایند برنامه‌های ترمیمی هرگونه تبعیض و موارد نظیر آن، مذموم و غیرقابل پذیرش است؛ چنان‌که در بند ۳ از ماده ۱۳ اصول اساسی استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری آمده است: «هیچ یک از قربانی و مرتکب نباید مجبور شوند تا با وسائل غیر منصفانه نسبت به شرکت در برنامه‌های ترمیمی یا قبول نتایج آن وادار گردند».

#### ۵-۴. نگاه خوش‌بینانه به شوراهای مردمی در حل منازعات اجتماعی

فیصله‌های رسمی با تشریفات لازم توسط هیئت قضایی با تجربه و آگاه صورت می‌گیرد. قاضی‌های محاکم، از دانش حقوقی لازم برخوردار می‌باشند. بسیاری از آنان تحصیلات حقوقی دارند و دوره ستاژ قضایی را سپری کرده‌اند. در اجرای عدالت غیررسمی این‌گونه نیست. اعمال برنامه‌های عدالت ترمیمی بسته‌گی تام به تبخّر و تجربه تسهیل‌کنندگان و مقامات عدالت کیفری، و میزان آموزش‌دیده‌گی آن‌ها دارد. از طرفی، سایر مقامات و مأمورانی که به نحوی با طرفین نزاع ارتباط پیدا می‌کنند، باید آموزش‌ها و مهارت‌های لازم را داشته باشند تا کیفیت برنامه‌ها تضمین گردد؛ بنابراین، میزان تجربه و آموزش این افراد می‌تواند نتایج این برنامه‌ها و درجه توفیق آن‌ها را بهینه کند. مسأله بسیار مهم این است که در بیش‌تر برنامه‌ها از لحاظ نظری بر قابلیت‌های انسانی، نظیر احساس مسؤولیت و مسؤولیت‌پذیری آگاهانه، ایجاد حس هم‌دردی و یک‌دلی میان قربانی و مرتکب و ایجاد حس پشیمانی در مرتکب، تأکید می‌شود.

پرسش‌هایی که در این میان مطرح می‌شود این است که ماهیت این قابلیت‌ها و تأثیرات انسانی چیست؟ چه عواملی می‌تواند باعث ازدیاد، کاهش، ظهور یا عدم ظهور آن‌ها شود؟ آیا مواردی از این دست قابل کنترل، ارزیابی و اندازه‌گیری اند؟ و این‌که آیا چنین مواردی نتیجه حتمی چنین فرایندهایی خواهد بود؟ آیا تضمینی وجود خواهد داشت که مرتکب در مورد اعلام تأثیرات، معذرت‌خواهی‌ها و مسؤولیت‌پذیری‌ها صادقانه عمل کند؟

پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها همه‌گی با مسائل و مشکلات فراوانی همراه است؛ چرا که قابلیت‌ها و استعدادهای روانی و معنوی انسان‌ها هیچ‌گاه به‌طور کامل قابل شناسایی نیست و همه انسان‌ها خصیصه‌ها و روحیات یکسانی ندارند؛ بنابراین، دستیابی به چنین نتایجی الزاماً کنترل‌شده و قابل ارزیابی و سنجش نیستند؛ از این‌رو، در تکیه بر چنین کارکردهایی باید تا حدودی با احتیاط عمل کرد و

نباید بیش از اندازه بر چنین عواملی تکیه و تأکید اطمینان‌آمیزی داشت. این چالش از سوی حقوق‌دان‌های مصاحبه‌شونده بیان گردیده است. مصاحبه‌شونده سوم و پنجم (به ترتیب وکیل مدافع و استاد حقوق و علوم سیاسی) در بیان مشابه اظهار داشته اند که: «بسیاری از اعضای شوراهای مردمی و کسانی که در حل منازعه اشتراک می‌کنند، از سواد کافی و آگاهی حقوقی لازم برخوردار نمی‌باشند. از چنین افرادی انتظار کشف حقیقت و صدور فیصله‌های منصفانه، منطقی نیست. برای همین، در بسیاری از نشست‌ها، منازعه به‌صورت ریشه‌یی حل نمی‌شود».

### ۵-۵. قابل پیش‌بینی نبودن فیصله شوراهای مردمی

دادرسی غیررسمی از طریق شوراهای مردمی هم‌واره بسته‌گی به هم‌کاری همه‌جانبه و اختیاری قربانی، مرتکب و سایر افراد ذی‌نفع دارد. این هم‌کاری اختیاری در هر مرحله‌یی از مراحل رسیده‌گی، قابل توقف است. علاوه بر آن، این هم‌کاری‌ها همیشه قابل حصول نیست؛ بنابراین، بالاتکلیفی در رسیده‌گی‌ها، اتلاف وقت، نیروی انسانی و تحمیل هزینه‌های اقتصاد، از مخاطرات این برنامه‌ها خواهد بود. این ایراد در کلام بسیاری از مصاحبه‌شونده‌گان دیده شده است. مصاحبه‌شونده اول، دوم و چهارم (به ترتیب عالم دین، عالم دین و متنفذ قومی) به این مضمون اظهار داشته اند که: «هرچند در شوراهای مردمی تلاش اصلی بر حل منازعه و ایجاد توافق بین طرفین منازعه است؛ اما به دلیل پیچیده‌گی‌های نزاع و نفوذ عوامل بیرونی، ممکن است این تلاش به نتیجه دل‌خواه نرسد و فیصله مورد پذیرش قرار نگیرد».

البته در پاسخ اظهار شده است که نتایج برنامه‌های عدالت ترمیمی زمانی مذموم است، که رعایت انصاف و مصالح افراد درگیر در منازعه را دربر نداشته و تصمیم ناشی از سر تبعیض باشد. برنامه‌های عدالت ترمیمی درواقع مصالح و منافع قربانی - مرتکب و جامعه محلی را پی‌جویی می‌کند و تمام اطراف ذی‌دخل در تصمیم‌گیری را ملزم می‌کند که با توجه به واقعیت‌ها تصمیم بگیرند، تصمیمی که اصولاً مبتنی بر توافق باشد؛ بنابراین، نامعین بودن برنامه‌های ترمیمی به مثابه ایراد تلقی نمی‌شود (غلامی، ۱۳۹۳: ۶۸). باین‌وجود، نمی‌توان به نتایج فیصله‌ها به‌صورت قطعی امید بست و براین‌د کار را قابل پیش‌بینی دانست.

### ۵-۶. بروز سرگردانی برای طرفین دعوا در فیصله شوراهای مردمی

پیش‌تر یادآور شدیم که نتایج و فیصله شوراهای قابل پیش‌بینی نیست؛ هم‌چنین واکنش طرفین دعوا در مواجهه با فیصله‌ها نیز مشخص نمی‌باشد. این نگرانی وجود دارد، که هرگاه برنامه‌های عدالت ترمیمی در جریان رسیده‌گی، تعقیب و محاکمه با شکست روبه‌رو شوند و به ناچار طرفین مجدداً به عدالت کیفری سنتی روی آورند، طرفین قضیه با سرگردانی مضاعف روبه‌رو می‌گردند.

به‌نظر برخی از اندیشه‌مندان، برنامه‌های عملی مشارکتی این قابلیت را دارند که افراد بیش‌تری را به شبکه عدالت کیفری وارد کنند؛ زیرا برنامه‌های عدالت ترمیمی نظیر عدالت غیررسمی خود را مشغول پرونده‌هایی می‌کنند که در دستگاه عدالت کیفری معمولاً از اهمیت کم‌تر، اما از آمار بالایی برخوردارند و دستگاه قضایی کیفری در اغلب اوقات این پرونده‌ها را به دور از سخت‌گیری‌های معمول، به نوعی حل‌وفصل می‌کند.

به‌طور مثال، در نظام دادرسی انگلستان، پولیس می‌تواند بسیاری از جرایم کوچک اطفال یا بزرگسالان را با دادن یک اخطار بایگانی کند. در موارد قابل توجهی، پرونده‌ها در جهت اجرای روش قضازدایی از دادرسی کیفری تغییر مسیر داده می‌شوند (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۴۹). نمونه دیگر در مورد کیفر جای‌گزینی که حالا در برخی از کشورها به کیفر اصلی تبدیل شده است، کیفر خدمات عام‌المنفعه یا کیفر خدمات عمومی است (آشوری، ۱۴۰۳: ۳۵۶)؛ بدین ترتیب، استدلال می‌شود که برنامه‌های مشارکتی، به علت این‌که از قابلیت‌های سیاست عدالت ترمیمی، مانند قبول مسئولیت ارادی مرتکب از سوی متهم، استفاده می‌کند، با دسترسی به ادله محکومیت بیش‌تر و هم‌چنین درگیر کردن خود در پرونده‌های نه‌چندان مهم، ولی با آمار بسیار بالا، قابلیت کنترل اجتماعی نظام دادرسی کیفری را بالا می‌برند.

اگر فرایند رسیده‌گی از طریق عدالت غیررسمی با شکست مواجه گردد، پیامدهای منفی زیر را برجای خواهد گذاشت:

- تحمیل هزینه‌های مضاعف بر طرفین اختلاف؛
  - اتلاف وقت و ایجاد وقفه در رسیده‌گی رسمی؛
  - ایجاد ذهنیت پیش‌داوری برای قاضی رسمی پرونده؛
  - ایجاد تورم کیفری و گسترده‌شدن شبکه نظام عدالت جزایی (آشوری، ۱۴۰۳: ۳۵۸).
- یکی از نویسندگان جرم‌شناس به نام «رموند گسن»<sup>۱</sup> در توجیه این انتقاد، پذیرش توسعه قضایی را یکی از تأثیرات سه‌گانه جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و جرم‌شناسی قربانی‌شناسی، بر هدف آیین دادرسی کیفری می‌داند. ایشان دومین تأثیر از موارد سه‌گانه توجیه می‌نویسد: توسعه قضایی را موجه دانستند؛ یعنی، سلب صلاحیت حل‌وفصل دعوای ناشی از جرم‌ها از مقام قضایی (عدالت غیررسمی، سازش و مصالحه)، برای جلوگیری از برچسب‌زنی به مجرمان از نظرگاه جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و تضمین رابطه اجتماعی در چهارچوب منافع قربانی از دیدگاه جرم‌شناسی قربانی‌شناسی است (گسن، ۱۳۸۵: ۳۴۴).

<sup>1</sup> - Raymond Gussin

این ایراد، به‌عنوان یک چالش در برابر عدالت غیررسمی، در مصاحبه‌های این تحقیق هم بیان شده است. مصاحبه‌شونده پنجم اظهار نموده است که: «اگر نتیجه جرگه رضایت‌بخش نباشد و فیصله از سوی دو جناب قبول نشود، هم وقت زیاد گرفته می‌شود و هم دوباره کاری می‌گردد».

از طرفی، تحقیقات به‌عمل‌آمده نشان می‌دهند که رسیده‌گی از طریق برنامه‌های ترمیمی از نتایج خوب و موفقیت قابل ملاحظه‌ی برخوردار است، که به این نگرانی‌ها پایان می‌دهد. مطالعه ۱۹۹۲ وارنر<sup>۱</sup> در مورد مقایسه شرکت‌کنندگان در دادرسی متعارف و برنامه عدالت غیررسمی کیفری موجود در گلاسکوی استکاتلند نشان می‌دهد که ۴۳ درصد افراد به‌صورت عدالت غیررسمی از شبکه تعقیب کیفری خارج شدند؛ باوجوداین، بیش‌تر این افراد با قبول اتهام، که یکی از پیش‌نیازهای اساسی عدالت غیررسمی می‌باشد به مجازاتی سخت‌تر از گروه مقابل محکوم شدند (عباسی، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

تحقیق ۱۹۹۳ م. خانم «ماکسول»<sup>۲</sup> و «موریس»<sup>۳</sup> در خصوص برنامه‌های نشست‌های گروه‌های خانواده‌گی در نیوزیلند نشان داد که از میان ۱۳ هزار پرونده موجود، با اعمال برنامه‌های عدالت غیررسمی، شمار پرونده‌ها در طی یک سال بعد به دو هزار و پنصد و هشتاد و هفت پرونده کاهش یافت. این آمار نشان داد که ۹۵ درصد افراد که بدین منوال از آمار کاهش یافته‌اند، نوعی از مجازات را متحمل شدند و فقط ۵ درصد پرونده‌ها دلیل لازم برای محکومیت پیدا نشد. در میان این ۹۵ درصد، ۷۰ درصد مجرمان با معذرت‌خواهی از قربانی و بقیه برای انجام کار عام‌المنفعه محکوم شدند (شیری، ۱۳۸۶: ۴۳).

قابل یادآوری است که برخی مشکلات و چالش‌هایی در منابع مکتوب نسبت به فعالیت عدالت غیررسمی در حل منازعه، بیان شده است که در کلام مصاحبه‌شونده‌گان بیان نشده است. موارد زیر نیز از همین‌گونه است.

## ۵-۷. بی‌توجهی شوراهای مردمی به تنبیه مرتکب

از دیگر چالش‌های جدی در مداخله شوراهای مردمی برای حل منازعات اجتماعی این است که اعضای شورا در هنگام رسیده‌گی به قضایا به‌شیوه نرم و ملایم به حل قضیه و ختم دعوا توجه دارند (غلامی، ۱۳۸۲: ۲۴)، بدون این که بار ملامت را آن‌چنان که باید به دوش مرتکب بیندازند. هدف، در این رسیده‌گی رفع نزاع است. محور گفت‌وگوهای اعضای شورا در پروسه میانجی‌گری، حل منازعه است. به همین دلیل توجه جدی به نوع و میزان تقصیر مرتکب صورت نمی‌گیرد و استعداد یا انگیزه

<sup>۱</sup> - Warner

<sup>۲</sup> - Maxwell

<sup>۳</sup> - Morris

وی برای تکرار چنین عملی مورد غفلت واقع می‌گردد. این واقعیت در حل دعاوی ازسوی شوراهای مردمی در شهر هرات هم مطرح است. این مسأله ممکن است دو پیامد منفی در پی داشته باشد. اول این که زمینه تجرّی متخلف را فراهم می‌کند؛ وی به دلیل عدم تحمل مجازات جدّی و قاطع در برابر رفتار مجرمانه‌اش، ممکن است انگیزه بیش‌تری برای تکرار موارد مشابه پیدا نماید. دوم این که فیصله دعوا بدون تنبیه مرتکب حس قربانی‌شدن مضاعف را به شخص قربانی می‌دهد و انگیزه انتقام را در وجود او تشدید می‌نماید. این امر، در درازمدت ممکن است برای جامعه خطرناک بوده و امنیت منطقه را مختل نماید؛ از این‌روی، برخی از حقوق‌دانان اجرای عدالت غیررسمی در قالب‌های گوناگون آن را زود هنگام دانسته و نگرانی خود را نسبت به پیامدهای منفی آن اظهار می‌نمایند.

#### ۵-۸. شوراهای مردمی و احتمال نقض حقوق دفاعی متهم

حقوق دفاعی متهم یکی از موازین دادرسی در نظام عدالت جزایی رسمی است. در این نظام متهم از حقوق دفاعی مشخصی برخوردار است. این حقوق ممکن است در جریان رسیده‌گی دعاوی از طریق شوراهای مردمی رعایت نگردد. برخی از برنامه‌های عدالت ترمیمی، مانند جرگه‌های محلی، حلقه‌های میانجی‌گری، نشست‌های گروهی و خانواده‌گی به دلیل حضور اعضای خانواده‌ها و نماینده‌گان جامعه مدنی مرتکب با شرم‌ساری و سرافکنده‌گی مواجه می‌گردند. در چنین فضایی مرتکب توان دفاع از خود را از دست خواهد داد. این امر می‌تواند از دافعه‌های عدالت ترمیمی برای مرتکبان باشد؛ زیرا آنان به لحاظ وجدانی و احساسی متأثر شده و احساس شرمندگی می‌کنند، ممکن است این احساس شرم‌ساری بدنام‌کننده، یک احساس کج‌روی را در وی پدید آورد (بریت ویت، ۱۳۸۳: ۵۲۵). این احساس شرمندگی و ندامت اگر به صورت ناموجه در شخص ایجاد شود یا مورد استفاده قرار گیرد، مرتکب را در معرض برچسپ‌زنی قرار خواهد داد. این امر نیز تبعات منفی روانی در پی خواهد داشت. این شرمندسازی موجب گریز وی از جامعه و تبعید او است، که خود عاملی برای تکرار جرم بوده و موجب حاشیه‌نشینی و ایجاد فاصله میان مجنی‌علیه و مجرم می‌شود؛ بدین ترتیب، مرتکب در حاشیه اجتماع، به دور از احساس کنترل اجتماعی به‌سوی گروه‌های مجرمانه و خرده‌فرهنگ‌های کج‌رو سوق داده می‌شود (عباسی، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

هرچند قواعد حقوقی، در پی تأمین نظم اجتماعی است؛ اما در وجهی دیگر وسیله‌ی برای تضمین حقوق و امتیازات فردی نیز می‌باشد (شاملو، ۱۴۰۳: ۲۶۷).

یکی از اصول پذیرفته حقوقی اصل برائت است. در پرتو فرض بی‌گناهی، همه شهروندان بی‌گناه اند؛ مگر این که مجرمیت آنان در دادگاه با صلاحیت و با سپری شدن تشریفات قضایی اثبات شود

(خواج‌نوری، ۱۳۸۸: ۲۷۰). این اصل، در تمام مراحل دعاوی کیفری، از جمله پیش از دادرسی، معتبر است و تا دعوا مختومه نگردد، پی‌روی از آن لازم است (آشوری، ۱۳۸۲: ۷۲).

بنابراین، در عدالت ترمیمی در قالب عدالت غیررسمی، با فرض این‌که طرفین جرم به‌صورت داوطلبانه به امر سازش و اصلاح ذات‌البین روی می‌آورند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این داوطلبانه‌بودن به‌ویژه از ناحیه متهم هم‌واره صادق است؟ آیا اجبار و اکراه دخیل نیست؟ به‌خصوص بعد از شکست دادرسی ترمیمی و ارجاع پرونده به دستگاه عدالت کیفری، رضایت به عدالت غیررسمی، پیش‌داوری برای قاضی ایجاد نمی‌کند؟

به‌طور مثال، در فیصله شورای مردمی به‌عنوان بارزترین مصداق عدالت ترمیمی، با تأکید بر مسئله قبول اتهام و اعتراف به وقایع اساسی دخیل در پرونده، مرتکب بزرگ‌ترین مأمّن خویش «اصل براءت» را از دست می‌دهد (رحیمی، ۱۳۹۰: ۷۸). این امر می‌تواند مانع استقبال وی از برنامه‌های عدالت ترمیمی در مراحل مقدماتی رسیده‌گی گردد. فرایند عدالت غیررسمی متضمن این امر است که بسیاری از تضمین‌های شکلی حقوق متهم، مانند حق استفاده از وکیل مدافع، حق سکوت، حق استفاده از مواعد اعتراض به احکام، با اخلال مواجه می‌گردد. مسئله مهم این است که متهمی که همه این حقوق دفاعی را به امید کسب نتیجه مطلوب‌تر از دست می‌دهد، ممکن است در مقابل این ریسک، به نتایج مطلوب مورد نظر خود نرسد. در این صورت وضعیت مرتکب وخیم‌تر شده و قربانی هم متقابلاً متضرر می‌گردد.

این ایراد را می‌توان به دو طریق پاسخ داد: اول آن‌که حقوق قانونی متهمان با ارائه مشاوره مفید و مؤثر به‌تر تأمین می‌شود. این امر در عدالت ترمیمی با دقت در نظر گرفته می‌شود؛ دوم آن‌که وکیلان نیز می‌توانند در فرایند عدالت ترمیمی حضور یابند، منتها حضور وکیلان در فرایند عدالت کیفری سنتی به نمایندگی از موکلان و در مقام دفاع از متهمان سخن می‌گویند؛ اما در عدالت غیررسمی، متهمان باید نقش فعالی ایفا نمایند. در روند ترمیم و بازگردانی وضعیت به حالت پیشاجنایی، نقش مثبت ایفا کنند. به این معنا که در پذیرش مسؤولیت و در نهایت پاسخ‌گوی به عمل ارتكابی خود صادق باشند تا هم اشخاص متضرر و هم جامعه محلی که جرم در آن روی داده است، نسبت به تکرارنشدن رفتار جرمی از سوی متهمان امیدوار شوند. به این ترتیب نقش وکیل در فرایند ترمیمی حمایت از حقوق اساسی مرتکب است نه محدودیت حقوق دفاعی وی (غلامی، ۱۳۹۸: ۴۲).

موریسون<sup>۱</sup> و مینور<sup>۲</sup> اعتقاد دارند که در عدالت کیفری، نوعی شرم‌ساری وجود دارد، که برچسپ‌زننده<sup>۱</sup> است؛ اما در جریان نشست قومی به مثابه یکی از برنامه‌های عدالت ترمیمی، حصول

<sup>1</sup> Morison

<sup>2</sup> Minor

شرم، نجات‌بخش و خودجوش است و آثار سوپی ندارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۷۰۱)؛ بنابراین، ویژه‌گی برنامه‌های عدالت ترمیمی در این است که مرتکب اشتباه خود را می‌پذیرد یا حداقل آن را انکار نمی‌کند؛ از این‌رو، برنامه‌های ترمیمی برای احراز مجرمیت نیست، بل که برای «پذیرش واقعیت» است. از طرفی مرتکب حق دارد در هر مرحله از رسیده‌گی غیررسمی، جریان جرگه را متوقف کند و خواهان عدالت جزایی رسمی شود.

## ۵-۹. اختیارات گسترده شوراهای مردمی در چه‌گونه‌گی حل منازعات اجتماعی

در نظام عدالت جزایی رسمی، قاضیان اختیارات محدودی دارند. اصل قانونی بودن جرم، مجازات و محاکمه و نیز قوانین اجراءات جزایی، صلاحیت مشخصی را برای هیئت قضایی منظور کرده است. اصول حقوقی و متون قانونی دست‌های قاضیان را بسته و اختیارات آنان در چه‌گونه‌گی صدور حکم را محدود کرده است؛ اما در نظام عدالت غیررسمی چنین نیست؛ زیرا در فیصله‌های شوراهای مردمی فرمت قبلی و چوکات قانونی مشخصی وجود ندارد، که حداقل و حداکثر احکام را مشخص کرده باشد.

هرچند به لحاظ نظری فرایند رسیده‌گی به دعاوی از طریق عدالت غیررسمی، اختیاری بوده و تمام مسائل با رضایت و همکاری طرفین دعوا حل‌وفصل می‌گردد؛ اما در عمل دیده شده است که بسیاری از میانجی‌گران که خوانین و ارباب‌های محلی می‌باشند، از اقتدار خود بهره گرفته و اعمال سلطه می‌کنند.

از ایرادهای مهم عدالت کیفری این است که قربانی یا شاکی ممکن است ناملایماتی را در مراجع پولیسی (ضابطان) و مراجع قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مرجع متحمل شود، که ممکن است قربانی‌شدن دوباره وی را در پی داشته باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۸۴: ۲۴). ممکن است در فرایند برنامه‌های ترمیمی نیز چنین واقعه‌یی مشاهده گردد. به‌طور مثال، در مواردی میانجی‌گران و تسهیل‌کننده‌گان برنامه نشست‌های خانواده‌گی و مددکاران اجتماعی نظیر مقامات عدالت کیفری، به‌عنوان یک مقام و مرجع رسمی در برنامه‌های عدالت ترمیمی مداخله کنند. تمایل طبیعی چنین افرادی تسلط و حاکمیت و آمریت به پرونده ارجاع‌شده می‌باشد. آنان به‌جای این که در نقش یک تسهیل‌کننده بی‌طرف در فرایند گفت‌وگوها و توافقات ایفای وظیفه کنند، به‌عنوان یک مقام رسمی اعمال مداخله می‌کنند و در بسیاری از موارد در تصمیم‌گیری‌های طرفین منازعه مداخله نموده و تأثیر منفی بر آن‌ها دارند. در این‌گونه موارد، فضای فرایند ترمیمی، فضای

<sup>1</sup> Stigmatization

مطلوب مبتنی بر بی‌طرفی مجریان نخواهد بود و در این حالت ممکن است حلقه عدالت غیررسمی بیش‌تر به اتاق دادگاه شباهت پیدا نماید.

برای احتراز از چنین اشکالی، نخست، دستگاه عدالت کیفری تا حد امکان نباید اقتدار خود را به‌طور مستقیم در برنامه‌های عدالت غیررسمی کیفری بگستراند؛ دوم، افرادی که به‌عنوان میانجی‌گر یا تسهیل‌کننده در برنامه‌های عدالت ترمیمی مشارکت می‌کنند، باید آموزش‌های لازم را سپری نموده واقف به نقش و جای‌گاه خویش در فرایند ترمیمی باشند تا در نتیجه برنامه‌های عدالت ترمیمی با آمریت و اعمال اقتدار رسمی دادرسی‌گونه، اعمال نگردد و فرایند عدالت غیررسمی در کمال بی‌طرفی انجام شود.

به‌هرروی، با بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و متناظر به مطالعات کتابخانه‌یی و با درنظرداشت دیدگاه‌های جرم‌شناختی عدالت غیررسمی با چالش‌های زیر مواجه می‌باشد:

| چالش‌های عدالت غیر رسمی       |                     |                                      |                               |                                         |                                  |                |                   |                          |
|-------------------------------|---------------------|--------------------------------------|-------------------------------|-----------------------------------------|----------------------------------|----------------|-------------------|--------------------------|
| اختیارات گسترده شوراهای مردمی | نقض حقوق دفاعی متهم | بی‌توجهی شوراهای مردمی به تهیه مرتکب | بروز سرگردانی برای طرفین دعوا | قابل پیش‌بینی نبودن فیصله شوراهای مردمی | نگاه خوش‌بینانه به شوراهای مردمی | تکمیل نابرابری | مداخله‌های بیرونی | عدم تناسب مجازات و جرم و |

## ۶. مناقشه

در میان حقوق‌دانان افراد زیادی از نهادهای عدلی و قضایی رسمی روی‌گردان شده‌اند. این دیدگاه در میان طرف‌داران مکتب دفاع اجتماعی (آنسل، ۱۴۰۱: ۵۴)، و حامیان عدالت ترمیمی رایج‌تر است (غلامی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). برخی از جریان‌ها، حتا بر محو نظام عدالت جزایی و جای‌گزینی عدالت ترمیمی تأکید دارند (علامه، ۱۳۹۶: ۷۸). به داورى اینان، جرم، پدیده اجتماعی است که باید از طریق مشارکت اجتماعی مورد رسیده‌گی قرار گیرد. به نظر این‌ها، جرم نه تجاوز علیه دولت، که منازعه بین مجرم و قربانی است؛ از این‌روی، اجرای مجازات مهم نیست؛ بل که، مهم رفع کدورت ناشی از جرم، ترمیم روابط بین طرفین قضیه و بازگشت وضعیت به نقطه ماقبل جنایی است. این هدف بیش‌تر از ره‌گذر عدالت ترمیمی میسر است. به همین دلیل نگاه مثبتی به عدالت غیررسمی دارند. در مقابل برخی از تحقیقات نسبت به عدالت غیررسمی نگاه منفی ابراز کرده‌اند؛ زیرا عدالت غیررسمی موجه کاهش اقتدار حاکمیت شده و موازنه عدالت جزایی را به نفع قربانی می‌کشانند (قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۸).

تحقیق حاضر به صورت کلی با هر دو روی کرد فوق ناسازگار است. نگاه مطلق نگر صفر و صد، درست نیست؛ از این روی، هم با دیدگاه افراطی مکتب دفاع اجتماعی ناسازگار است و هم با دیدگاه طرفدار عدالت جزایی رسمی. به صورت مشخص می توان اظهار داشت که این تحقیق حاضر با نوشته های دکتر اردبیلی، دکتر نوربها و علامه و راضیه قاسمی، متفاوت و ناسازگار است؛ اما با نوشته های خادم حسین رحیمی و حسین غلامی تاحدودی هم سو می باشد.

مقاله حاضر باور دارد که عدالت غیررسمی در کنار نظام عدلی و قضایی رسمی، معتبر و حتا در مواردی ضروری است؛ اما این به معنای نبود مشکل نیست. عدالت غیررسمی، با چالش های مختلف مواجه می باشد. احتمال مداخلات بیرونی، عدم رعایت اصل بی طرفی میانجی گران، بی توجی به تناسب جرم و مجازات، فقدان نگاه تنبیهی علیه مرتکب، تحکیم نابرابری، نقض حقوق دفاعی متهم، اختیارات گسترده اعضای شورا و خوش بینی به توانایی میانجی گران و ... چالش های عمده ای است که در دادرسی های غیررسمی وجود دارد؛ بدین ترتیب، به داروی این قلم، نه حذف حقوق جزا و محاکم رسمی درست است و نه نادیده گرفتن نقش شوراهای مردمی.

## ۷. نتیجه گیری

براساس دیدگاه مصاحبه شونده گان و نیز مطالعات کتابخانه ای، می توان اظهار داشت که عدالت غیررسمی در شهر هرات با چالش های گوناگونی روبه رو است. در این میان بیش ترین تأکید به مشکلاتی هم چون مداخلات بیرونی، عدم رعایت بی طرفی، سطح پایین درک طرفین دعوا، توقع بیش از اندازه از اعضای شورا صورت گرفته است. این موارد البته در عمل، کارکرد شوراهای را با چالش هایی مواجه می کند؛ اما به لحاظ نظری کم تر مورد توجه نویسندگان حقوقی قرار گرفته است. اندیشه مندان حقوق بیش تر به چالش های ماهوی توجه داشته اند. مواردی هم چون عدم رعایت تناسب جرم و مجازات در فیصله شوراهای، کم توجی اعضای شورا به تنبیه مرتکب، وجود فضای نابرابر در جلسات شورا، نگاه خوش بینانه به ظرفیت های شورا، قابل پیش بینی نبودن نتیجه جرگه و در نهایت امکان سرگردانی طرفین قضیه در صورت ثمربخش نبودن فیصله شورا تأکید کرده اند.

از گفت و گو با مصاحبه شونده گان این واقعیت روشن شد که در افغانستان از جمله شهر هرات، عدالت غیررسمی جریان دارد. مداخله شوراهای مردمی در حل منازعات اجتماعی به گونه فراگیر صورت می گیرد؛ یعنی هم شامل دعاوی جزایی می شود و هم مسائل حقوقی را مورد حل و فصل قرار می دهند. در این میان بیش تر پرونده ها مربوط به اختلاف خانوادگی و دعاوی مالی است، که در ابتدا حقوقی بوده و سرانجام جنبه جنایی به خود گرفته اند. با این وجود چالش های پیش گفته در جریان رسیده گی غیررسمی مشهود بوده است.

## ۸. پیش‌نهاد

پیش‌نهاد می‌گردد که:

- مرکز تحقیقات علمی پوهنتون غالب، تحقیقی با عنوان بررسی راه‌کارهای ارتقای عدالت غیررسمی در افغانستان را به داوطلبی بگذارد؛
- مرکز تحقیقات علمی پوهنتون غالب با همکاری دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی، می‌تواند تدریس مضمون عدالت غیررسمی را در دانش‌کده‌های حقوقی کشور پیش‌نهاد نماید.

## ORCID

Abdul Malek Vahidi



<https://orcid.org/0009-0006-4164-5958>

## ارجاع به این مقاله (APA):

. وحیدی، عبدالملک، (۱۴۰۴). «بررسی چالش‌های عدالت غیررسمی در شهر هرات». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۲). ۲۳۷-۲۵۷. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.11>

## To Cite this Article (APA):

. Vahidi, Abdul Malek. (2025). "A Study on the Challenges Facing Informal Justice in Herat City". *Ghalib Journal*. 14(2). 237-257. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.11>

## سرچشمه‌ها

۱. آشوری، محمد. (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین. تهران: انتشارات گرایش.
۲. آنسل، مارک. (۱۴۰۱). دفاع اجتماعی. ترجمه حسین علی نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری. چ ششم. تهران: گنج دانش.
۳. بریت ویت، جان. (۱۳۸۳). «پیوند دادن پیش‌گیری از جرم به عدالت ترمیمی». ترجمه علی شریف‌زاده. مجله حقوقی دادگستری. ۶۸(شماره ۴۹-۴۸). ۲۸۵-۳۰۶. [https://www.jlj.ir/article\\_44538.html](https://www.jlj.ir/article_44538.html)
۴. خزانی، منوچهر. (۱۳۷۷). «بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری در فرایند کیفری (مجموعه مقالات)» تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. خواجه‌نوری، یاسمن. (۱۳۸۸). «جلوه‌های دادرسی عادلانه در حقوق کیفری کودکان» در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات). زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات سمت.

۶. شاملو، باقر. (۱۴۰۳). اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی. در: علوم جنایی (در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری). چ ہشتم. تہران: انتشارات سمت.
۷. شیر، علمدار سلیمان پور. (۱۳۸۶). جلوه‌های عدالت ترمیمی در نظام کیفری ایران. پایان‌نامہ مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. تہران: دانش گاہ شہید بہشتی، دانش کدہ حقوق.
۸. عباسی، مصطفی. (۱۳۸۲). افق‌های نوین عدالت ترمیمی در عدالت غیر رسمی کیفری. تہران: انتشارات دانشور.
۹. علامہ، غلام حیدر. (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی افغانستان. چ ششم. کابل: نشر واژه.
۱۰. غلامی، حسین. (۱۳۹۸). عدالت ترمیمی. تہران: انتشارات سمت.
۱۱. قاسمی، راضیہ. (۱۳۹۵). «چالش‌ها و موانع اجرای عدالت ترمیمی در نظام کیفری ایران». اصفہان: پایان‌نامہ فوق لیسانس دانش کدہ حقوق و معارف اسلامی. دانش گاہ اشرفی اصفہانی.
۱۲. گسن، رموند. (۱۳۸۵). «ملاحظہ‌های درباره هدف آیین دادرسی کیفری». ترجمہ شہرام ابراہیمی. مجلہ حقوقی دادگستری. ۷۰ (شمارہ ۵۷-۵۶). ۳۳۳-۳۴۸.  
<https://doi.org/10.22106/ijl.2006.11486>
۱۳. ماکسل، گابریل؛ موریس، الیسون. (۱۳۸۲). «عدالت ترمیمی؛ الگوی جدید تفکر در امور کیفری». ترجمہ حسین غلامی. پژوهش حقوق عمومی. ۵ (۹). ۱۸۳-۲۰۵.  
[https://qjpl.atu.ac.ir/article\\_3027.html](https://qjpl.atu.ac.ir/article_3027.html)
۱۴. محقق، محمد حسن. (۱۳۹۷). دادرسی‌های ترمیمی غیررسمی در افغانستان. فصل‌نامہ علمی مطالعات علوم انسانی پژوهان. شمارہ ۱۰ و ۱۱.  
[https://pajuhansj.ut.ac.ir/article\\_79353\\_81dd801f925c3663747754833d62a808.pdf](https://pajuhansj.ut.ac.ir/article_79353_81dd801f925c3663747754833d62a808.pdf)
۱۵. محقق، محمد حسن. (۱۳۹۲). «مطالعہ تطبیقی جلوه‌های عدالت ترمیمی در حقوق جزای ایران و افغانستان». پایان‌نامہ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. تہران: دانش کدہ حقوق دانش گاہ تہران.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و ہم‌کاران. (۱۳۸۴). «عدالت برای بزہ دیدگان». میزگرد. مجلہ حقوقی دادگستری. ۵۲ و ۵۳. ۶۷-۸۴.  
<http://noo.rs/whB3B>
۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). مباحثی در علوم جنایی. ویراست ششم. بہ کوشش شہرام ابراہیمی؛ جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی)، تقریرات و تنظیم: محسن برہانی و امیر حمزہ زینالی. بیجا.

۱۸. نوربخش، سیدمحمدامین؛ والی‌زاده، سیده سمیه. (۱۳۹۶). «جرم‌شناسی عدالت ترمیمی». کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی.

<https://sid.ir/paper/897151/fa>

## References

1. Ashouri, Mohammad. (2003). *Alternatives to Prison or Intermediate Punishments*. Tehran: Gerayesh Publishing. [In Persian]
2. Ancel, Marc. (2022). *Social Defense*. Translated by Hossein Ali Najafi Abrandabadi & Mohammad Ashouri. 6th ed. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
3. Braithwaite, John. (2004). "Linking Crime Prevention to Restorative Justice." Translated by Ali Sharifzadeh. *Judiciary Legal Journal*, 68(48-49), 285-306. [https://www.jlj.ir/article\\_44538.html](https://www.jlj.ir/article_44538.html) [In Persian]
4. Khazani, Manouchehr. (1998). "Theoretical and Practical Review of Speeding Up Criminal Procedure in the Criminal Process (Collected Articles)." Tehran: Ganj-e Danesh Publishing. [In Persian]
5. Khajeh-Nouri, Yasaman. (2009). "Aspects of Fair Trial in Juvenile Criminal Law." In: *Recent Advances in Criminal Sciences (Collected Articles)*. Edited by Dr. Ali Hossein Najafi Abrandabadi. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
6. Shamloo, Baqer. (2024). *The Principle of Criminal Presumption of Innocence in Modern Procedural Systems*. In: *Criminal Sciences (In Honor of Professor Dr. Mohammad Ashouri)*, 8th ed. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
7. Shiri, Almdar Soleimanpour. (2007). *Manifestations of Restorative Justice in the Iranian Criminal Justice System*. Master's Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of Law. [In Persian]
8. Abbasi, Mostafa. (2003). *New Horizons of Restorative Justice in Informal Criminal Justice*. Tehran: Daneshvar Publishing. [In Persian]
9. Allama, Gholam Haidar. (2017). *General Criminal Law of Afghanistan*. 6th ed. Kabul: Vajeh Publishing. [In Persian]
10. Gholami, Hossein. (2019). *Restorative Justice*. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
11. Ghasemi, Razieh. (2016). "Challenges and Obstacles of Implementing Restorative Justice in the Iranian Criminal System." Master's Thesis in Law and Islamic Studies. Esfahan: Ashrafi Esfahani University. [In Persian]
12. Gassin, Raymond. (2006). "Considerations on the Purpose of Criminal Procedure." Translated by Shahram Ebrahimi. *Judiciary Legal Journal*, 70(56-57), 333-348. <https://doi.org/10.22106/jlj.2006.11486> [In Persian]
13. Maxwell, Gabrielle & Morris, Allison. (2003). "Restorative Justice: A New Model of Thinking in Criminal Matters." Translated by Hossein Gholami. *Public Law Research*, 5(9), 183-205. [https://qjpl.atu.ac.ir/article\\_3027.html](https://qjpl.atu.ac.ir/article_3027.html) [In Persian]
14. Mohaqeq, Mohammad Hassan. (2018). *Informal Restorative Proceedings in Afghanistan*. *Scientific Quarterly of Humanities Studies of Pajuhan*, Issues 10-11. [https://pajuhansj.ut.ac.ir/article\\_79353\\_81dd801f925c3663747754833d62a808.pdf](https://pajuhansj.ut.ac.ir/article_79353_81dd801f925c3663747754833d62a808.pdf) [In Persian]

15. Mohaqeq, Mohammad Hassan. (2013). "A Comparative Study of the Manifestations of Restorative Justice in the Criminal Law of Iran and Afghanistan." Master's Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Faculty of Law, University of Tehran. [In Persian]
16. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein & Colleagues. (2005). "Justice for Victims." Roundtable. *Judiciary Legal Journal*, 52–53, 67–84. <http://noo.rs/whB3B> [In Persian]
17. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein. (2011). *Topics in Criminal Sciences*. 6th ed. Edited by Shahram Ebrahimi; *Criminology (Restorative Justice)*, Notes by Mohsen Borhani & Amir Hamzeh Zeinali. No place of publication. [In Persian]
18. Nourbakhsh, Seyed Mohammad Amin & Valizadeh, Seyyedeh Somayeh. (2017). "Criminology of Restorative Justice." *National Scientific Conference on Global Research in Management, Accounting, Law, and Social Sciences*. <https://sid.ir/paper/897151/fa> [In Persian]